نگاه پدرانه و راهبردی رهبر انقلاب اسلامی به مسئلهٔ نوجوانان در ناآرامی‌های دی ماه

آن‌ها بچه‌های ما هستند

فاطمه قدیری
خبرنگار گروه جامعه

نوجوانان، بیش از هر نسل دیگری، با هیجان زیست می‌کنند؛ هیجانی که اگر در مسیر درست هدایت نشود، می‌تواند به‌ضد سرمایه‌ای علیه خودشان بدل شود. در اغتشاشات اخیر، یکی از پرسش‌های مهم افکار عمومی همین بود: چرا پای نوجوانان به خیابان باز شد؟ چرا بخشی از نسلی که هنوز در حال شکل دادن به هویت فردی و اجتماعی خود است، و حتی به صورت تئوریک آگاهی لازم در خصوص اتفاقات در حال جریان را ندارد، در بزنگاهی پیچیده تصمیمی گرفت که هزینه‌های سنگینی برای خود، خانواده و جامعه به جا گذاشت؟

رهبر انقلاب روز گذشته در دیدار مردم آذربایجان شرقی، با نگاهی دقیق و تفکیک‌گر، به همین مسئله اشاره کردند؛ آنجا که میان مفسدان و فتنه‌گران و فریب‌خوردگان مرز روشنی ترسیم کردند. ایشان از گروهی سخن گفتند که «فریب خوردند، سادگی به خرج دادند، بی‌تجربه بودند و با فتنه‌گرها همراه شدند» و با تأکید معنادار افزودند: «آن‌ها هم از ما هستند؛ آن‌ها هم بچه‌های ما هستند.» این تعبیر، صرفاً یک موضع عاطفی نیست، بلکه یک چهارچوب تحلیلی است برای فهم آنچه بر بخشی از نوجوانان و جوانان گذشت. واقعیت این است که نوجوان، برخلاف بزرگسال، بیش از آنکه با منطق محاسبه‌گر تصمیم بگیرد، با منطق هیجانی عمل می‌کند. او به‌دنبال معناست؛ به‌دنبال دیده‌شدن، اثرگذاری و یافتن جایگاهی در جمع همسالان. در چنین وضعیتی، اگر تصویر روشنی از آینده پیش رو نداشته باشد، اگر افق فردا برایش مبهم، تار یا دست‌نیافتنی به نظر برسد، طبیعی است که به پیام‌هایی جذب شود که هیجان فوری، احساس قهرمان‌بودن یا هویت اعتراضی به او می‌دهند؛ حتی اگر این پیام‌ها در نهایت، او را به مسیری اشتباه بکشانند. گفت‌وگوهای انجام‌شده با این گروه به ما ثابت می‌کند که بسیاری از این نوجوانان، نه با قصد تخریب، نه با برنامه سیاسی مشخص و نه با درک عمیق از پیامدها وارد میدان شدند. آن‌ها بیشتر تحت تأثیر فضای احساسی شبکه‌های اجتماعی، روایت‌های ناقص، بزرگ‌نمایی‌ها و گاه دروغ‌های هدفمند قرار گرفتند. آن‌ها تنها با یک گجت چند گرمی در دنیایی حضور دارند که سرعت انتقال تصویر و پیام از سرعت تحلیل پیشی می‌گیرد، هیجان جای تفکر را می‌گیرد و حضور در صحنه را مهم‌تر از فهم صحنه نشان می‌دهد. اینجاست که مفهوم «فریب‌خوردگی» معنای دقیق‌تری پیدا می‌کند؛ فریب‌خوردگی نه به‌معنای بی‌ریشگی یا بی‌اعتقادی، بلکه به‌معنای کم‌تجربگی در مواجهه با بحران‌های پیچیده اجتماعی و رسانه‌ای. همان‌گونه که رهبر انقلاب تأکید کردند، «حتی آن‌هایی که از میان این گروه جان خود را از دست دادند، در دایره شهدای این حوادث قرار گرفتند»؛ نگاهی که نشان می‌دهد نظام، مسئله را صرفاً امنیتی نمی‌بیند، بلکه آن را یک زخم اجتماعی می‌داند.

اما پرسش اساسی که از چهل روز پیش بارها تکرار شده همچنان پابرجاست؛ چه باید کرد تا این چرخه تکرار نشود؟ پاسخ، صرفاً در مدرسه، خانواده یا برخوردهای سلبی خلاصه نمی‌شود. مسئله عمیق‌تر از این‌هاست. نوجوان امروز نیازمند «افق» است؛ افقی قابل تصور، قابل دسترس و صادقانه. تا زمانی که جامعه نتواند برای نسل جدید، تصویری روشن از مسیر تحصیل، مهارت، شغل و آینده ترسیم کند، هیجان‌های خام و پیام‌های فریبنده، همچنان قدرت بسیج‌گری خواهند داشت. شناخت نوجوانان و جوانان فریب‌خورده، نه برای توجیه خطا، بلکه برای پیشگیری از تکرار آن ضروری است. آن‌ها مسئله نیستند؛ آن‌ها نشانه‌اند. نشانه‌ای از گستردگی جنگ شناختی و عدم شناخت قربانیانش، ابهام آینده و ناتوانی ما در گفت‌وگوی مؤثر با نسلی که «بچه‌های ما» هستند، حتی اگر در لحظه‌ای حساس، راه را اشتباه رفته باشند. در همین راستا محمدجواد بادین‌فکر و میثم مهدیار، جامعه‌شناس در گفت‌وگو با «فرهیختگان» به تحلیل و بررسی ریشه‌های جامعه‌شناختی رفتارهای نسل جدید در بحران‌ها پرداختند.

کنش‌ورزی‌های توده‌وار به پدیده‌ای جهانی تبدیل شده است

مهدیار با اشاره به جهانی بودن این نوع کنش‌ها گفت: «فقط مرتبط با کشور ما نیست. در واقع اگر شما فیلم «جوکر» را دیده باشید، متوجه می‌شوید که این نوع کنش‌ورزی‌های توده‌وار به پدیده‌ای جهانی تبدیل شده است. تقریباً هر جا که بحرانی اجتماعی، اقتصادی یا سیاسی رخ می‌دهد، چنین کنش‌های خشونت‌ورزانه‌ای (به‌ویژه از سوی نسل‌های جدیدتر) دیده می‌شود و ما نیز از این قاعده مستثنی نیستیم. بخشی از این مسئله به فضایی بازمی‌گردد که نسل جدید در آن زندگی می‌کند؛ یعنی رسانه‌های اجتماعی و نوع زیست شهری که تجربه می‌کنند. این فضاها به‌نوعی زمینه‌ساز بروز چنین رفتارهایی می‌شوند. یکی از این زمینه‌ها، تنهاتر بودن کودکان و نوجوانان نسل جدید در خانه است. در گذشته، خانواده‌ها معمولاً فرزندان بیشتری داشتند و بچه‌ها در زندگی جمعی درون خانواده، به‌واسطه تعاملات و رقابت‌هایی که با خواهران و برادران خود داشتند، زودتر اجتماعی می‌شدند. وجود سه تا پنج خواهر و برادر، خود به‌تنهایی تجربه زیسته‌ای فراهم می‌کرد که تاب‌آوری آن‌ها را در مواجهه با مسائل و چالش‌های مختلف تقویت می‌کرد. در مقابل، سبک زندگی جدید و افزایش خانواده‌های تک‌فرزند باعث شده است که بسیاری از کودکان در خانه خواهر یا برادری نداشته باشند و این خود می‌تواند یکی از زمینه‌های مسئله باشد.»

مشغله والدین تعامل خانوادگی را کم‌رنگ کرده است

وی در خصوص تغییر شرایط اقتصادی و فرهنگی خانواده‌ها افزود: «نکته دوم، شرایط اقتصادی و فرهنگی ـ اجتماعی امروز است. معمولاً هم پدر و هم مادر شاغل‌اند؛ درحالی‌که در نسل‌های قبل، غالباً مادر در خانه و پدر بیرون از خانه مشغول کار بود. اکنون کودک بخش عمده‌ای از وقت خود را تنها می‌گذراند؛ حتی غذا خوردن، انجام تکالیف درسی و بازی کردنش نیز اغلب در تنهایی سپری می‌شود. به‌دلیل مشغله‌های والدین، کودک بیشتر در خود و تنهایی‌اش رشد می‌کند و در نتیجه بیشتر درگیر بازی‌های الکترونیکی یا فضاهای رسانه‌ای مختص خود می‌شود و تعامل جدی‌تری با خانواده ندارد.»

نوجوانان تجربه زیسته «واقعی» کمتری دارند

این جامعه‌شناس با انتقاد از محدود شدن فضاهای تعاملی فیزیکی تصریح کرد: «نکته سوم، زیست شهری و به‌ویژه زندگی در کلان‌شهرهاست که باعث شده کودکان از هم‌نسلان خود فاصله بگیرند. در دهه‌های ۶۰، ۷۰ و حتی ۸۰، کودکان بیشتر در کوچه‌ها با هم بازی می‌کردند؛ فوتبال، گل‌کوچک یا دوچرخه‌سواری انجام می‌دادند. آن فضاهای اجتماعی که بچه‌ها را دور هم جمع می‌کرد و به جامعه‌پذیری آن‌ها کمک می‌کرد، امروز بسیار محدود شده است. فعالیت‌ها بیشتر فردی و مجازی شده‌اند. اگر هم جمعی باشند، غالباً شکل مجازی دارند و تجربه زیسته واقعی کمتری برای آن‌ها رقم می‌زنند. حضور در فضای مجازی برای بسیاری از کودکان پررنگ‌تر از حضور در کوچه، محله، مسجد یا حتی جمع اقوام شده است.»

وی با اشاره به تأثیرات دوران کرونا و تعطیلی مدارس، گفت: «نکته دیگر، پیامدهای دوران کروناست. مدرسه یکی از مهم‌ترین نهادهای جامعه‌پذیرکننده کودکان است؛ اما پس از شیوع کرونا، دانش‌آموزان برای یکی دو سال از کالبد فیزیکی مدرسه جدا شدند. پس از آن نیز به دلایلی مانند آلودگی هوا، سرما، گرما یا قطعی برق، در این دو سه سال اخیر بارها از حضور در محیط واقعی مدرسه بازمانده‌اند. در نتیجه، ارتباطاتشان در مدرسه نیز محدودتر شده است و حتی با همکلاسی‌های خود روابط عمیق گذشته را کمتر تجربه می‌کنند؛ زیرا به طور متوسط، تعداد روزهایی که در مدرسه حضور دارند و فرصت دیدار و تعامل با یکدیگر را پیدا می‌کنند، کاهش یافته است.»

نوجوانان یکی از اهداف اصلی در حوزه جنگ شناختی به شمار می‌آیند

مهدیار با بیان اینکه کاهش جامعه‌پذیری منجر به کاهش تاب‌آوری شده است، اظهار داشت: «مجموع این شرایط اجتماعی، فرهنگی، رسانه‌ای و اقتصادی باعث شده است که نسل‌های جدید آمادگی کمتری برای زندگی اجتماعی داشته باشند، جامعه‌پذیری‌شان کاهش یابد و در مواجهه با مسائل و مشکلات اجتماعی تاب‌آوری کمتری نشان دهند. به همین دلیل، واکنش‌های آن‌ها نسبت به برخی وقایع می‌تواند هیجانی‌تر و شدیدتر باشد. از همین منظر، نوجوانان یکی از اهداف مهم سرمایه‌گذاری در حوزه جنگ شناختی به شمار می‌آیند؛ چنان‌که در ماه‌های اخیر دیده‌ایم بخشی از شایعاتی که در فضای مجازی شکل می‌گیرد، حتی توسط خود نوجوانان تولید و بازنشر می‌شود. برای مثال، شایعاتی مانند ماجرای «سوسیس» که در فضای مجازی منتشر شد؛ به‌دلیل پیوند خوردن با موضوع نوجوانان، بسیار برجسته شد. همچنین اتفاقاتی که از سال ۱۴۰۱ در فضای رسانه‌ای پیرامون مدارس مطرح شد؛ از جمله ادعاهایی درباره «حمله شیمیایی به مدارس» که بازتاب گسترده‌ای پیدا کرد. در آن مقطع، نوعی هیجان و اضطراب جمعی شکل گرفت و بخشی از بازنشر و دامن‌زدن به این فضا، توسط خود نوجوانان انجام می‌شد. فضای بازی‌های رسانه‌ای و شیطنت‌های مجازی پیرامون این موضوع، دلهره زیادی ایجاد کرد؛ درحالی‌که بسیاری از این روایت‌ها پایه مستندی نداشت و بیشتر محصول هیجان جمعی بود.»

وی درباره تبعات جدایی و اتمیزه شدن نسل جدید گفت: «این وضعیت را می‌توان از تبعات همان تنهایی، جداافتادگی، اتمیزه‌شدن و جامعه‌پذیری ناقص نسل جدید دانست. نوجوانانی که تجربه زیسته اجتماعی کمتری دارند، طبیعی است که راحت‌تر تحت‌تأثیر قرار بگیرند، تحریک شوند یا واکنش‌های تند نشان دهند. همچنین در حوزه‌هایی مانند شرکت‌های هرمی یا برخی فعالیت‌های اقتصادی پرریسک، قربانیان عمدتاً از میان همین نسل انتخاب می‌شوند؛ زیرا با وجود آنکه ممکن است از هوش دیجیتالی بالایی برخوردار باشند، در مقایسه با نسل‌های پیشین از تجربه زیسته و هوش اجتماعی و فرهنگی کمتری بهره‌مندند. دلیل این امر نیز همان جامعه‌پذیری کمتر و فرصت محدود برای کسب تجربه اجتماعی واقعی است.»

مدرسه، در دسترس‌ترین راهکار برای جبران کاستی‌ها

این جامعه‌شناس در پایان در پاسخ به راهکارهای کوتاه‌مدت خاطرنشان کرد: «در پاسخ به این پرسش که آیا راهکاری کوتاه‌مدت برای پیشگیری وجود دارد، به نظر می‌رسد مهم‌ترین و در دسترس‌ترین نهاد، مدرسه است. مدرسه اصلی‌ترین بستر رسمی آموزش و تربیت نسل جدید به شمار می‌رود. کوتاه‌ترین مسیر آن است که در کارکرد مدرسه بازاندیشی شود؛ به‌گونه‌ای که بتواند هویت تاریخی، فرهنگی و اجتماعی دانش‌آموزان را تقویت کند، مهارت‌های زندگی، تفکر انتقادی و مسئولیت‌پذیری اجتماعی را در آن‌ها پرورش دهد و فرصت تجربه‌های جمعی واقعی را برایشان فراهم سازد.»

تضعیف ارزش‌ها و ترس از آینده محرک اصلی حضور جوانان است

بادین‌فکر با اشاره به آمار دانش‌آموزان بازداشت‌شده گفت: «آماری مطرح شده بود که حدود ۱۷ درصد از دستگیرشدگان دانش‌آموز بودند. در مورد اینکه چرا این افراد به خیابان می‌آیند، قطعاً بخشی از موضوع به آموزش و پرورش بازمی‌گردد. اما پرسش این است که چرا آموزش و پرورش از نگاه نوجوانان کارآمدی لازم را ندارد؟ برخی معتقدند مفاهیم ملی‌گرایانه به اندازه کافی منتقل نشده است. شنیده‌ام کتابی درباره جنگ و ملی‌گرایی به محتوای درسی اضافه شده؛ فکر می‌کنم در مقطعی از مدارس تدریس می‌شود و احتمالاً مرتبط با درس سواد رسانه‌ای، و ظاهراً محتوای آن درباره دفاع از ایران و موضوعات مشابه است.»

«اما آنچه به نظر من نوجوان و جوان را به خیابان می‌کشاند، دو عامل اصلی است. گفته می‌شود بیش از ۷۰ درصد افراد بازداشت‌شده زیر ۳۵ سال سن داشته‌اند. دو عامل اصلی که کدگذاری شده عبارت‌اند از؛ نخست، تضعیف ارزش‌های بنیادین؛ مانند ارزش‌های خانوادگی و موارد مشابه. دوم، نداشتن تصویر روشن از آینده؛ به بیان دیگر، نوعی درماندگی نسبت به وضعیت موجود و ناامیدی نسبت به آینده. در نظرسنجی‌ها نیز اعداد قابل توجهی دیده می‌شود. به‌عنوان نمونه، در هفته دوم یا سوم آذرماه (حدود یک هفته و نیم پیش از این ماجراها) در یک نظرسنجی اعلام شد که حدود ۶۰ تا ۶۵ درصد مردم در هفته گذشته احساس اضطراب و نگرانی را تجربه کرده‌اند و این شایع‌ترین هیجان گزارش‌شده بوده است. از نظر روان‌شناختی، اضطراب زمانی بروز می‌کند که ترس از ابهام، غافلگیری یا نبود شفافیت وجود داشته باشد؛ مانند زمانی که ندانیم پشت یک دیوار چه چیزی قرار دارد. بنابراین، وقتی بخش بزرگی از جامعه چنین احساسی را به‌صورت جمعی تجربه می‌کند، نشان‌دهنده سطح بالای نگرانی و ابهام نسبت به افق پیش رو است. تحلیل من این است که در چند سال اخیر، در گرایش‌هایی مانند مصرف فرهنگ‌های خارجی، افزایش مصرف دخانیات یا برخی رفتارهای پرخطر، ریشه‌ای مشترک وجود دارد و آن، تصور آینده‌ای نه‌چندان روشن در ایران است.»

نسل دیجیتال، معنا و چهارچوب می‌خواهد نه اطلاعات خام

این جامعه‌شناس با بیان اینکه نوجوان سرشار از تخیل و امید است، افزود: «درحالی‌که نوجوانی سنی است که فرد سرشار از تخیل، امید و آینده‌نگری است و از نظر روان‌شناختی، هیجان و امید از هیجان‌های پررنگ این دوره به‌شمار می‌آیند. حال اگر نوجوان به آینده فکر کند و آن را مبهم، تاریک یا نامشخص ببیند، طبیعی است که دچار اضطراب و بی‌انگیزگی شود. در چنین شرایطی، آیا نظام آموزشی مقصر است؟ آموزش و پرورش کانالی است که باید اطلاعات و ارزش‌ها را منتقل کند و فرایند جامعه‌پذیری و فرهنگ‌پذیری را تسهیل کند. اما اگر جامعه تصویری روشن از آینده نداشته باشد، آموزش و پرورش دقیقاً چه چیزی را باید منتقل کند؟ به‌ویژه در نسلی که با رسانه‌ها رشد کرده و به‌عنوان نسل دیجیتال شناخته می‌شود و امروز ابزارهای هوش مصنوعی دسترسی گسترده‌ای به اطلاعات برایشان فراهم کرده است. بنابراین، صرف ارائه اطلاعات خام دیگر کفایت نمی‌کند. در گذشته، آموزش و پرورش منبع اصلی انتقال دانش بود؛ اما امروز نوجوانان فراتر از معلمان و کتاب‌های درسی به اطلاعات دسترسی دارند و دیگر جذابیتی برایشان ندارد. به نظر می‌رسد مسئله اصلی، کمبود اطلاعات نیست، بلکه ضعف در منطق، تفکر انتقادی و توان تحلیل است. نوجوانان چهارچوب منسجمی برای کنار هم گذاشتن داده‌ها و رسیدن به استنباط منطقی ندارند. شاید نظام آموزشی بیش از هر چیز باید بر تقویت قدرت تحلیل، استدلال و چهارچوب‌سازی ذهنی تمرکز کند، نه صرفاً انتقال داده‌ها.»

بی‌افقی اجتماعی، قوهٔ تحلیل نسل نوجوان را تضعیف می‌کند

بادین‌فکر درباره نقش هویت و هیجان در رفتار نوجوانان گفت: «سطح گسترده و منسجمی برای ارتباط‌گیری با نوجوانان وجود ندارد؛ بنابراین آن‌ها بیشتر با منطق هیجان و عواطف خود ارتباط برقرار می‌کنند. به این توجه می‌کنند که کدام محتوا حال بهتری به آن‌ها می‌دهد، احساس مثبت‌تری ایجاد می‌کند یا می‌تواند در جمع دوستانشان برایشان نوعی هویت و وجهه بسازد. عنصر هویت در این میان بسیار مهم است. برخی از نوجوانان می‌گویند فلان موضوع «فاز خوبی می‌دهد» یا جذاب است؛ بدون آنکه پشت آن، تحلیل عمیق یا چهارچوب فکری روشنی وجود داشته باشد. در چنین فضایی، قوه تحلیلی تضعیف می‌شود و هیجان جای آن را می‌گیرد. البته کتاب، معلم و خانواده بی‌تأثیر نیستند؛ اما مسئله کلان‌تر از این‌هاست.»

«بی‌افقی و ابهام گسترده‌ای که در سطح جامعه وجود دارد، به‌ویژه در شرایط اقتصادی و پیچیدگی‌های سیاسی، بر ذهن نوجوانان اثر می‌گذارد. وقتی پرسش‌هایی مانند «جنگ یا صلح؟» به دغدغه عمومی تبدیل می‌شود، طبیعی است که احساس ناامنیانی افزایش یابد. حتی گاهی برخی افراد از سر ناامیدی ترجیح می‌دهند تکلیف هرچه زودتر روشن شود، حتی اگر نتیجه آن پرهزینه باشد. این نشان‌دهنده شدت ابهام و فرسودگی روانی جامعه است. مسئله اصلی ابهام نسبت به آینده و نبود تصویر عینی و ذهنی روشن از آن است. ساختن آینده، زمانی ممکن می‌شود که گذشته به‌صورت انتقادی و واقع‌بینانه بازخوانی شود؛ چه در رسانه‌ها و چه در کتاب‌های درسی. بدون این بازخوانی، امکان ترسیم افق مشترک دشوار می‌شود. بخشی از جامعه گرایش به بازگشت به گذشته دارد و بخشی دیگر بر گشودن مسیر تازه‌ای به‌سوی آینده تأکید می‌کند. آنچه برای نسل نوجوان و جوان اهمیت دارد، حرکت‌گشایی رو به آینده و ایجاد امید عملی است.»

پدر، مادر ما متهمیم

زینب مرزوقی
خبرنگار گروه جامعه

روز گذشته رهبر انقلاب اسلامی در تشریح وضعیت شهدای حوادث اخیر دی‌ماه، دسته‌ای از شهدا را شهدایی دانستند که «فریب خورده‌اند و سادگی به خرج داده‌اند»؛ اما درنهایت آن‌ها را فرزندان همین میهن خطاب کردند که از قضا پشیمان شدند. تقریبا چند روز از حوادث ۱۸ و ۱۹ دی‌ماه گذشته بود که به اذعان برخی مسئولان عالی‌رتبه کشور، مشخص شد تروریست‌ها علاوه بر اینکه از نوجوانان و جوانان به‌عنوان سپر انسانی استفاده کرده بودند، با تهییج آن‌ها، خشونت را توسعه دادند. همچنین فرشاد ابراهیم‌پور، عضو کمیسیون آموزش مجلس دقیقا چند روز گذشته، اعلام کرد حدود ۲۸ درصد افراد بازداشتی در سنین زیر ۲۰ سال بوده‌اند. می‌توان گفت سخنان مسئولان انتظامی و عالی‌رتبه کشور درخصوص سپر انسانی شدن جوانان و نوجوانان، پازلی بود که روز گذشته با بیانات رهبر معظم انقلاب تکمیل شد و حالا می‌توان نتیجه گرفت برخی شهدای حوادث دی‌ماه، نه تروریست، بلکه فریب‌خوردگانی بودند که نقشه تروریست‌ها و فتنه‌گران ناآرامی‌های دی‌ماه را اجرایی کردند. همچنین برخی محتواهای منتشرشده در فضای مجازی توسط ترول‌ها نشان می‌دهد نوجوانان و جوانان زیر ۲۰ سال در ناآرامی‌های ۱۸ و ۱۹ دی‌ماه و ترویج و اعمال خشونت، نقش‌آفرینی داشتند. مصاحبه‌های منتشرشده از این افراد پس از دستگیری توسط نیروهای امنیتی نیز گویای همین امر است که این افراد، عمدتاً براساس هیجان و بدون تحلیل و استدلال در خیابان‌ها و ناآرامی‌ها حضور پیدا کرده‌اند و فریب رؤیافروشی‌های کاذب لیدرهای فتنه دی‌ماه را خورده‌اند، همچنین اتفاقات کف میدان در دی‌ماه، نشان می‌دهند این رؤیای کاذب باعث انقطاع جوانان و نوجوانان از تاریخ، فرهنگ و حتی جغرافیای خود شدهو باعث شده بود در روزهای تلخ و سیاه دی‌ماه، جوانان و نوجوانان فریب‌خورده حتی به ابنیه تاریخی و اماکن فرهنگی نیز آسیب وارد کنند.

آنچه باعث سؤال و دغدغه‌مندی است، این است که آیا برای نسلِ فریب‌خورده از اینترنشنال، پیرکودکِ پهلوی و نسلی که سوار بر موج هیجان خیابان می‌بندد و اموال عمومی را به آتش می‌کشد؛ مفاهیم ملی‌گرایانه معنا و مفهومی ندارد؟ یا اینکه در کامنت‌های درخواست حمله از ترامپ و شادی برای رسیدن ناوهای آمریکایی به آب‌های خلیج‌فارس؛ «تمامیت ارضی» کشور کجای این معادله است؟ هرچند جنگ ۱۲ روزه نشان داد آنچه فصل مشترک میان تمام ایرانیان است، اتحاد در برابر دشمن خارجی است؛ اما در معرکه‌ای که هدفش کشته‌سازی و چندپاره کردن همان وطن است، چرا جوانان و نوجوانان حاضر در ناآرامی‌ها، میهن‌دوستی را کنار گذاشته و همراه با دشمن می‌شوند؟

در سلسله مراتب ورود به جامعه و اجتماع‌های شکل‌گرفته توسط نوجوانان، در ابتدا خانواده و بعد هم مدرسه نقش اساسی دارند و مسئولیت اعظم تبیین مفاهیم ملی‌گرایانه و ایجاد عرق ملی، وطن‌پرستی و میهن‌دوستی به عهده این دو نهاد است و این درحالی است که برخی خانواده‌ها با بی‌اعتمادی نسبت به فضای رسانه‌ای داخل از کشور، عمده وقت خود را پای رسانه‌های فارسی‌زبان مانند اینترنشنال می‌گذرانند و با تحلیل و تکرار اخباری مانند تعداد کشته‌شدگان حوادث اخیر، روایتی برخلاف روایت موجود برای فرزندان خود درون خانواده ارائه می‌دهند و نوجوان نیز تحت‌تأثیر تصویرسازی‌های اشتباه رسانه‌های معاند قرار می‌گیرد. در سوی دیگر، نظام آموزش عمومی ما و مدارس، عمدتاً از ادبیات نسل امروز و نیازهای آن عقب است و مدرسه بیش از آنکه تربیت‌کننده نسل سرنوشت‌سازِ کشور باشد، پس از ۱۲ سال تحصیل، فردی را به جامعه تحویل می‌دهد که یا توانایی تست‌زنی را کسب کرده است یا نه. باید این واقعیت را پذیرفت که نسل جدید دیگر با متدهای تربیتی قدیمی، میهن‌دوست نمی‌شوند و ادبیات گفت‌وگو با این نسل باید به‌روزرسانی شود. برای اتصال نسل جدید و آن ۲۸ درصد زیر ۲۰ سال به تاریخ ایران، دیگر بازخوانی کلیشه‌ای تاریخ تاثیرگذار نخواهد بود. احتمالاً اردوهای تربیتی مرسوم نیز باید جای خودش را به دیالوگ‌های چالشی با متخصصان و کارشناسان حوزه‌های مختلف بدهد که قدرت اقناع و استدلالشان تقویت شود و درنهایت بدانند آشوب‌های داخلی نه تنها منجر به خوشبختی نمی‌شود، بلکه در راستای همان موشک‌باران، دشمن خارجی است.

نوبت دوم

شرکت نفت مناطق مرکزی ایران
شرکت بهره‌برداری نفت و گاز زاگرس جنوبی
(سهامی خاص)

فراخوان ارزیابی کیفی مناقصه عمومی یک مرحله‌ای یکپارچه (فشرده)

به شماره مع/۹۶۳/ ۰۴/ sz/ - تحت‌عنوان: تهیه و تأمین خودروهای سبک و عمومی با راننده در منطقه عملیاتی سروستان و سعادت‌آباد

شرکت بهره‌برداری نفت و گاز زاگرس جنوبی به مرکزیت شیراز، در نظر دارد خدمات مورد نیاز خود را مطابق با مشخصات و شرایط کلی زیر از طریق مناقصه عمومی یک مرحله‌ای یکپارچه (فشرده) همراه با ارزیابی کیفی واگذار نماید.

۱- موضوع مناقصه: تهیه و تأمین خودروهای سبک و عمومی با راننده در منطقه عملیاتی سروستان و سعادت‌آباد
۲- شماره مناقصه: مع/۹۶۳/۰۴/sz
۳- نوع مناقصه: عمومی یک مرحله‌ای یکپارچه (فشرده)
۴- مدت انجام کار: ۱۲ ماه
۵- مناقصه مورد اشاره در سامانه اینترنتی setadiran.ir به شماره فراخوان ۲۰۰۴۰۹۱۷۰۱۰۰۰۱۱۰ ثبت گردیده است.
۶- تضمین شرکت در فرایند ارجاع کار: حداقل به مبلغ ۳۹٫۵۵۵٫۴۵۷٫۷۳۳ (سی و نه میلیارد و پانصد و پنجاه و پنج میلیون و چهارصد و پنجاه و هفت هزار و هفتصد و سی و سه) ریال که باید به یکی از دو صورت زیر ارائه گردد و همچنین درصورت برنده شدن قادر به ارائه ضمانتنامه انجام تعهدات به میزان ۱۰ درصد بارمالی سالیانه پیمان باشد. الف)- ارائه رسید وجه صادره از سوی حسابداری کارفرما مبنی بر واریز مبلغ فوق‌الذکر ب)- ارائه ضمانتنامه بانکی به میزان مبلغ فوق‌الذکر طبق فرم نمونه که ابتدا برای مدت (۹۰ روز) معتبر بوده و پس از آن نیز با اعلام کارفرما برای مدت (۳۰ روز) دیگر قابل تمدید باشد.
۷- محل اجرا: منطقه عملیاتی سروستان و سعادت‌آباد شرکت بهره‌برداری نفت و گاز زاگرس جنوبی
۸- مهلت دریافت اسناد استعلام ارزیابی کیفی به همراه سایر اسناد مناقصه: ۵ روز پس از بارگذاری اسناد در سامانه الکترونیکی ستاد دولت (بارگذاری اسناد پس از انتشار نوبت اول آگهی مناقصه می‌باشد و در صورت تعطیلات رسمی به صلاحدید مناقصه‌گذار، مهلت دریافت اسناد براساس روزهای کاری لحاظ می‌گردد.)
۹- ۹- مهلت تسلیم (بارگذاری) اسناد تکمیل شده مربوط به استعلام ارزیابی کیفی و پاکات پیشنهادی: ۱۴ روز پس از آخرین مهلت دریافت اسناد مناقصه (که در صورت صلاحدید مناقصه‌گذار، مهلت مزبور تمدید می‌گردد.)
۱۰- آدرس سایت جهت دریافت و بارگذاری اسناد: www.setadiran.ir (در اسناد مناقصه به اختصار «سامانه ستاد» نامیده می‌شود.)
۱۱- آدرس: شیراز- خیابان کریمخان زند- روبه‌روی خیابان خیام- نبش کوچه ۴۲- ساختمان شرکت بهره‌برداری نفت و گاز زاگرس جنوبی- تلفن تماس اداره امور حقوقی و پیمان‌ها: ۸۴۶۷-۰۷۱۳۲۱۳۸۳۹۶ تلفن تماس کمیته فنی بازرگانی: ۸۶۷۱-۰۷۱۳۲۱۳۸۲۸۵ تلفن تماس کمیسیون مناقصات: ۰۷۱۳۲۱۳۸۴۳۲
۱۲- شرایط لازم جهت شرکت در مناقصه و احراز حداقل امتیاز ارزیابی کیفی مندرج در اسناد استعلام ارزیابی کیفی و سایر اسناد مناقصه می‌باشد.
۱۳- مبلغ برآورد: ۱۳-۱ مبلغ برآورد تقریبی اجرای کار ۱٫۱۲۲٫۷۷۲٫۸۸۶٫۶۱۳ ریال ۱۳-۲ مبلغ برآورد نهایی کارفرما به‌همراه صورتجلسه توضیح و تشریح اسناد مناقصه اعلام میگردد.
۱۴- پیش‌پرداخت: ۱۵٪ (پانزده درصد) مبلغ اولیه پیمان و در قبال ارائه ضمانتنامه پیشپرداخت بانکی معتبر.
از کلیه اشخاص حقوقی واجد شرایط دعوت به عمل می‌آید پس از بارگذاری اسناد مناقصه در سامانه ستاد ایران در مهلت مقرر جهت اخذ اسناد مورد اشاره به آدرس اینترنتی سامانه ستاد ایران مراجعه نمایند و پس از دریافت اسناد استعلام ارزیابی کیفی و اسناد مناقصه، کلیه مدارک و مستندات مندرج در آن را مطالعه، تکمیل و در مهلت مقرر و با توجه به مفاد مندرج در بند ۹ بارگذاری نمایند. ضمناً ارزیابی کیفی مناقصه‌گران به‌صورت یکپارچه (فشرده) و غیرحضوری و صرفاً از طریق سامانه مذکور صورت خواهد گرفت. لازم به توضیح است که پس از ارزیابی کیفی مناقصه‌گران، پاکات پیشنهادی متقاضیان واجد شرایط گشوده خواهد شد. بدیهی است بارگذاری اسناد و مدارک جهت ارزیابی کیفی بعد از مهلت مقرر میسر نمی‌باشد.

روابط عمومی شرکت بهره‌برداری نفت و گاز زاگرس جنوبی - شماره شناسه ۲۱۲۷۱۲۷

سازمان آگهی‌های روزنامه
فرهیختگان
Advertisement`s Organization
تلفن وفکس: ۶۲۹۹۹۴۹۵ (۰۲۱)
ایمیل: a66348018@gmail.com

صدای نخبگان، نگاه جوانان
WWW.FDN.IR
روزنامه فرهیختگان
farhikhteganonline
FARHIKHTEGAN

مجری انحصاری تبلیغات
دانشگاه آزاد اسلامی
کانون تبلیغاتی سپهر جوان
۰۹۳۹۸۸۸۸۶۹۹